

خداوند همیشه همراه ما است

عیسی به ما گفت که وقتی در سختی هستیم و دچار آزمایش می‌شویم، خدا با ما است. خدا نزدیک ما است تا ما را یاری کند و کمک‌مان نماید که دوباره در زندگی به دنبال او حرکت کنیم. خدا به ما قدرت و شجاعت می‌بخشد.



در آن روز عیسی به مردم چنین گفت:

ای شما که شیرین و مهربان هستید و از بد رفتاری و پدی کردن دوری می‌کنید خوشحال باشید چون خدا شما را آرامش می‌دهد.

ای شما که سعی می‌کنید با خودتان و با دیگران همیشه آشتی باشید، به این سعی خودتان ادامه دهید، زیرا فرزندان خدا نامیده خواهید شد.

ای شما که سعی می‌کنید هر آنچه خوب است در دیگران ببینید، ادامه بدهید و ناامید نشوید، زیرا دیگران هم سعی خواهند کرد تا نیکی شما را ببینند.

ای شما که محبت خودتان را نشان می‌دهید، شما قلب پاکي دارید شما خدا را خواهید دید. شاید بخاطر اینکه شاگردان من هستید، کسی به شما حرف بد بزند اذیت‌تان کند و یا راجع به شما دروغ گوید در آن روز شاد باشید چون با مردان خدا هم همین کار را کردند. بدانید که پاداش شما در آسمان بسیار بزرگ است.

طبیعت انسان :

در میان داستان های حکمت آمیز سنتی هندی ، داستانی هست دربارهٔ یک راهب پیرو هندو که کنار رودخانه ای در سکوت نشسته بود و «مانترا»ی (یعنی ذکر) خود را تکرار می کرد . روی درختی در نزدیکی او عقربی حرکت می کرد که ناگهان از روی شاخه به رودخانه افتاد . همین که راهب خم شد و عقرب را که در آب دست و پا می زد از رودخانه خارج کرد ، جانور او را گزید .

راهب اعتنایی نکرد و به تکرار مانترای خود پرداخت . کمی بعد عقرب باز به آب افتاد و راهب مانند بار قبل او را از آب درآورد و روی شاخه درخت گذاشت و باز نیش عقرب را چشید . این صحنه چندین بار تکرار شد و هر بار که راهب ، عقرب را نجات می داد نیش آن را بر دست خود حس می کرد .

در همان حال یک روستایی پی خبر از اندیشه ها و نحوهٔ زندگی مردان مقدس ، که برای بردن آب به لب رودخانه آمده بود با دیدن ماجرا ، کنترل خود را از دست داد و با اندکی عصبانیت گفت: «استاد ، من دیدم که تو چندین بار آن عقرب احمق را از آب نجات دادی ولی هر دفعه تو را گزید . چرا رهائش نمی کنی این جانور رذل را؟»
راهب پاسخ داد: « برادر ، این حیوان که دست خودش نیست ، گزیدن طبیعت اوست. »

روستایی گفت: « درست است ولی تو که این را می دانی چرا طرفش می روی؟ » .

راهب پاسخ داد: « ای برادر ، خوب من هم دست خودم نیست ، من انسان هستم ، رهانیدن ، طبیعت من است. »

طرد شدن ، مورد علاقه و توجه کسی قرار نگرفتن و فراموش شدن توسط همگان ، فکر می کنم اینها همه ، گرسنگی کشیدن بیشتر و فقر شدیدتری هستند ، تا کسی که هیچ چیز برای خوردن نداشته باشد .

فکر نکنید عشق برای اینکه ناب باشد باید فوق العاده باشد ، چیزی که ما احتیاج داریم این است که هیچوقت از محبت کردن خسته نشویم .

هر وقت که شما به کسی لبخند می زنید ، او را مورد محبت خود قرار داده اید ، یک هدیهٔ زیبا به او ارزانی داشته اید .

کارهای خوب حلقه هایی هستند که زنجیر عشق را می سازند .